

## مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل المتین)

﴿عنوان مراسلات﴾  
طهران خیابان لاله زار  
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روز  
طبع و توزیع میشود

## یومیه

## جبل المتین

۱۳۱۱

## طهران

## قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران  
سایر بلاد داخله ۳۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

﴿قیمت يك نسخه﴾

در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطبعی

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

چهارشنبه ۱۱ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۳ شوره یورماه جلالی ۸۲۹ و ۲۱ اوت ۱۹۰۷ میلادی

## مسئولیت

و مفهوم انهم مسئولون — آنچه امروزه در میان  
دول و ملل عالم وسیله ترقیات کنونی و علو بمقامات  
عالیه تمدن گردیده و کاشف اوصاف حمیده و اخلاق  
پسندیده آنان شده همانا بیروی و اقتباس از قواعد و  
قوانین دین حنیف اسلام است ( لارطب و لایابس الا  
فی کتاب مبین )  
( این همه آوازهها از شه بود )

( گرچه از حقوق عبد الله بود )

مقتن قانون کل یعنی سید رسل و هادی سبیل صلی  
الله علیه و آله تکلیف هر فردی از افراد را تعیین و توصیه  
فرموده و با الکنزیک هدایت شاه راه تعین و زندگانی  
نوع بشر را فروغ تمدن و سیامت بخشیده منتهم ما خود  
اجتهاد مقابل نص میکنیم و قوانین مقدمه اسلامی را  
الدیاز بالله از اثر آفتاب گرم عربستان و شیر شتر واکل  
فان جو یالمنخ غیر مسحوق میدانیم مثلاً اینهمه دفاتر و  
کتب و صحائف که برای يك لفظ قانون عقلای دنیا  
و مجامع د پیلوماتهای ممالک تمدنه تدوین نموده اند  
و اوقات عزیز صرف کرده اند تمام در مفاد ایته وای هدایه  
وامر بالعرفی وانه عن المنکر و اعرض عن الجاهلین)  
مندرج است مسام است که اوامر شرع مقدس نبوی  
منبع فضایل و محامد اخلاق و منهیات آن مبدء رذایل  
و زمایم آداب است حال میتوان يك مثنوی هفتاد منی  
حسن و مدح برای آن و قبح و قدح برای این  
از نوک قلم جریان داد کدام کومه نظری است بد بختانه  
بگوید مواسات مواخات اشاعه عدل و داد انهدام بنای

ظلم و استبداد مشاوره در امور مطالبه حقوق توسعه  
تجارت آموختن صنایع تنظیم معابر تسطیح طرق امری  
است که ایجاد و انشاء آن امروزه ضرر باشد بینی  
و بین الله نمیتوان باین سخن نفوه نمود و عالم انسانیت  
را آزرده تعلیم اجباری نیز بدعت نیست بدلیل ( طلب  
العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة ) استبداد نیز سنت  
نیست بدلیل ( من استبد برایه هلك و خاب ) بدیهی  
است يك رای بندهائی در کابه امور غور و غرض نمیتواند  
نمود و هر قدر صاحب عزم متین و حزم مبین باشد  
مؤسس اساس محکم و بانی بنای مشید تواند شد اطراق  
کار را احاطه نتواند کرده بمضار مالیه بی نتواند برد  
هر شالوده بریزد و هر رنگی بکار برد چون نقش بر آب  
بی ثبات است در اینصورت باید کف برق الحقیقه تلمع  
من تصادف الافکار پس وقتی که اعتدال امور و نظام  
جمهور را عقلا و نقلا و حسا موقوف بمشاوره ( یعنی  
مدخلیت اراء عقلا ) دانستیم و از صمیم قلب اقرار و  
اعتراف نمودیم که استبداد مورث تفرقه و اضمه جلال  
هر جمعیتی است باید دائره مسئولیت را نیز و محت بدهیم  
و در امور نوعیه مسئولیت را منحصر بیکدسته از مردم  
یعنی طبقه دولتیان فرض نکنیم و هر کس را در اداره  
خود مسئول بدانیم و بقریبی عنوان کلکم راع و کلکم  
مسئول عن رعیت را میتوانیم شاهد اینمقال و دلیل این  
مدعا آورد یعنی کلاه مردم از وضیع و شریف شاه و  
کدا و عالی دانی و غنی و فقیر ترک و تاجیک مسئول اعمال  
خود و زیر دستان خود میباشد و بعبارت اخری مثل  
زنجیر مسئولیت هر عضوی نسبت به عضو دیگر بهم بسته  
است پس با وضع کنونی مقایسه شود دولت مسئول

مجلس و مجلس مسئول ملت و ملت مسئول اعمال خود و مادون خود میباشند صریحتر آنکه شخص شیخمرظل الهی مسئول علما مسئول وزراء مسئول وکلاء مسئول ملت عموماً مسئول خواهند بود

اما از تکالیف ذات مقدس شاهانه و پدر تاجدار ایرانیان ارواحنا فداه است که قلب مبارکشان پیوسته بر رفاهیت کامله و آزادی تامه رعایا که بمثابة فرزندان مجازی پادشاهند متوجه و مطوق بوده با کمال رافت و پدراهِ در بطن بساط عدل و سبقت از سلاطین عالم برآیند که ( بالعدل قامت السموات و الارض ) و بطبقات جلی و جوهر اصلی انهدام بنای ظلم و استبداد را و وجهی همت ملرکانه سازند ( که الظلم نذر الدیار من اهلها بلائع ) و دامن مقدس شامشاهی را باقوای مداعتین و هوا خواهان ظلم و ستم بمذلت و مسکنت یک مشت رعیت مسکین مستکین میلانند که ( ستر اخوانک من دانیک فی فسک و سترک علیک ) و از روی فراست و حکیمت و متانت صد اراده حال این ملت شاه پرست و وطن دوست را باحال سایر ملل قویة عالم مقایسه فرمایند و سبب ترقی دیگران و تنزل مارا جالب دقت فرموده نیک بسنجد ایران که مهد امن و امان بوده چرا چنین ویران و حال سکنه آن پریشان است مسلم است جز عدم اتفاق دولت و ملت و اغراض شخصی اولیای مملکت هیچ علتی بر آن متصور نیست دولت همه را اتفاق خیزد بی دولتی از اتفاق خیزد پس باصفای عقیدت و خلوص نیت نظر مرحمتی بارتقاء و اعتلاء مملکت و رعایای خود فرموده مملکت صلاح و نجات پیش گیرند و خائن را از امین و صحیح را از سقیم فرق گذارند مقوی اعصاب ملت شوند حریت تامه و آزادی مطلق ملت عطا فرمایند حقوق عطایای خداوندی را که باجرای ممدت ادا میشود باعمال فرمایند که ( السلطان العادل ظل الله فی ارضه ) اما تکالیف مقررره علما ( العلماء انشاء الله علی خلقه ) اینطبقه اشرف طبقات ملت و سید قوم محسوب میشوند و دارنده عزم راسخ و ابرافذ و مقلب القلوب عامه و محی قوانین عدالت و نواب الله شرعاً و حجج اسلام هستند و بیفهمبر اکرم درباره اینطبقه فرموده ( علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل ) پس باید در حفظ بیضه اسلام و استقلال حوزه اسلامیان و سیادت و سعادت مسلمین پیش از سایر طبقات بکوشند و دقیقه از ترویج احکام خدا فروگذار نفرمایند ترغیب و تشویق افراد ملت را بمواضات و مواخات و اتفاق و اتحاد از اولین وظیفه مشروعه خود دانند چه اگر العیاذ بالله مسکتی مارا فروگیرد و استقلال اسلامی مارا تودیع نماید آن مسکت اول دامن گیرانان

خواهد شد و سلط تمام شئون ظاهر از آنها خواهد کرد ( هرگه که سنک حادثه زآسمان رسد ) ( اولیای بمرغ بلند اشیان رسد ) پس باید در اینموقع نارك ترك لذائذ نفسانی فرموده جسم بگذارند سراپا حال شوند عداوت و دوئیت و نفاق و مخالفت را منظور ترین خصایص بشمارند اعوجاج سلیقه و تجاهل در امور و غمض از محاسن عدالت و انهدام اساس امنیت شایسته مقام منبع و منزلت رفیع آنان نیست مگر نه شالوده این بنای عظیم و اساس این بنیان قوم را خود آنان بقدمات غیورانه مجرانه ریخته اند و ایرانیان را از قید عبیدی و امائی آزاد و برهون مواهب عظیمه و ممنون مساعی جمیله خود فرموده اند چه شد که آن سبب شکست و آن پیمانانه بریخت . . . این حکمتهای تفریحی و تخیلات دماغی ظاهر خواهد داشت که ( اذا فسد العالم فسد العالم ) عالم باید شاهد علم را به پیرایه عمل بیاراید مسند شرع طاهر را بلوث حب ریاست و جاه نیالاید ردای انما یشی الله من عباده العلماء را از درب خود دور نسازد اوقات شریف را وقف اوقالی نکند آتش فقر و فاقه خاخان ارامل و ایتم ترند خود را از حلیه ( صائنا لدینه بخلفا لهووا مطیعا لاسر مولاه ) عاری نسازد بطمع ذخارف دنیوی به حبه بر در امراء و وزراتساید ( بش الرجل من باع دینه بدنیایغیر ) اما تکالیف وزراء است که بموجب قانون معین کارهای اداره خود را از تغییر و قطمیر با کمال هوشیاری و برد باری فیصل داده مسئولیت مجلس دارالشورارا نحوتم سپرده گرفته یک لمحّه و یک کام از وظیف مقررره منحرف نگردند حرکات خود غرضانه که منتج از محلال دولت ویر بادی مملکت است پایی نشوند شر الامراء من طام رعیت را منظور دارند شر الولا من بخلافه الیری را فراموش نمایند ان لله یامر بالعدل و الاحسان را اویزه کوش فرمایند ( الملك یبقی بالعدل ) و لایبقی بالظلم را سر مشق قرار دهند تسامح در امور نکنند قلب مبارک پادشاه را مشوب نسازند صرفه خود را رخیر عموم سبقت ندهند امتیاز غیر فضلی نخواهند انصافی را شهید نکنند طرف قوی را ملاحظه نکنند اغراض شخصی را کنار بگذارند طرف دار یلتیک اجناس نباشند شغل خود را ناز خانه نیندارند از استماع عراض عارضین منفر نیابند به مدهات و چاپلوسی فریفته نشوند با مجلس مقدس مخالفت نورزند استبداد را حامی نباشند خود را در مقابل قانون یکی از افراد ملت بدانند تمام این تکالیف را بر عهده گرفته نام خود را زینت بخش دفتر تاریخ عالم فرمایند اما حدود و کلا — ( الصدیق من کان ناهیا عن الظلم و المدوان منیا علی البر و الاحسان ) وکیل باید

پیرو دین احمدی باشد و حافظ شرع محمدی ۳ باشد و تکمیل باید مستحق مضایق اخلاق عالیه امین متدین مال اندیش حقیقت بین مجرب مهذب عالل کمال چکیده غیرت جوهر عصیت مدعی انسانیت طالب شرفی خواهان ناموس مجسمه درستی هیکل صداقت جان نثار عدل فدائی قانون ماحی ظلم واقف بمواقف عصر عالم بمعالم زمان باشد وکیل باید در تهذیب اخلاق ملت بکوشد وکیل باید تکمیلان سیاست هیئت جامعه ملت و حاشی شرفی و انتخاب ساطنت باشد وکیل باید این کنج شایگان که برایکن چنگ افتاده بر و فر تنهد وکیل باید از گفتن سخن حق نیندیشد وکیل باید روز بروز در تکمیل و ظایف مقرر خود سعی باشد و حسن ایفای این وظایف مقدسه را منوط و مربوط بتحصیل علوم و فنون مفیده بشناسد بخواند تا بداند جوید تا باید گفت پیغمبر که من جد وجد وکیل باید بلنیک مملکت خود را با دول اجانب موازنه کند در او رات غور نماید درد مملکت را بفهمد علاج سریع التاثر آن را بداند اقدامات مبرانه بکار برد قائل بموهومات نباشد جنبش خواب آسوده نکنند دچار اغراض شخصی نکرده طرفدار کسی نباشد مهادنه نداند ابق عقلمانی را باغراض انسانی مکرر نسازد رقابت را مرتفع و مخالفت را مرتفع نماید از خصایل نازیبا و حرکات جان فرسا و تمصبات جاهلانه و خود نمائی کاره جوید (تبا در ولی المکارم و السموئی حاجت من هو نائم)

اما تکالیف ملت - اولاً عموم ملت باید بدانند که مشروطیت ساطنت برای امنیت مملکت و آسایش رعیت و قوت دولت است !! نه برای ضدیت با طبقه دولتیان و ضدت قوای آنان زیرا که سبب قدرت آنان مورت سبب امنیت مملکت و آسایش رعیت خواهد بود (ابر و باد مه و خورشید و ملک در کارند)

(تا تو نانی کف آری و بفلت نخوری)

(همه از بهر تو سرکشته و فرمان بردار)

(شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری)

معنی اتحاد دولت و ملت ( ) مفهوم مشروطیت است ( ) مرتفع داشتن دو نیت و بنو نیت و برچیدن بساط مخالفت و ضدیت است همان قسم که خیر ساطنت منوط بر فاهیت ملت است خیر ملت هم مربوط جلو ساطنت خواهد بود و باید این نکته اهم از نظر وقت دور نشود که القاء فتنه و فساد و قتلوف بالفاظ مستهجنه باعث یاس و حرمان دولت خواهد شد از اساس مشروطیت بحسن خاقتی توان کرد صید اهل نظر بدام وداله نگیرند مرغ دانا را بطور حتم این اتراق لفظی حالت احتراق

معنوی است باید نوعی کرد که ارواح و اجسام هر دو متحد باشند تا بار بمنزل برسد و راه زنان را دست تطاول کوتاه کرد و کشتی بلنیک مان دو چار کولاک نشود و صیادان شیاد که از هر طرفی دامی گسترده اند صیدمان نکنند و قضی الیرام نشوند راست است باید با تمام قوا در دفع و ردع دروغ مستبدین بکوشید و آنان را از هر نوع حرکتی که مخالف با وضع سلطنت مشروطه و عدالت مطلقه است سریما ممنوع داشت لیکن نه صرفی اخبار واهی و خیالات مقلنون و اطلاعات بر سر چهارسوق و رجم بقیب و اغراض شخصی و و و ثانیاً انتخاب و کلا برای تن دادن به آراء ثاقبه و افکار صائبه آنان است و نباید خودمان هر روز دسته بندی کنیم و مرتکب حرکات وحشیانه شویم و در کلیه مسائل رای خود را مصاب بدانیم و مقابل آراء و کلا رائی از خود بترسیم افراد ملت بدون استثناء و اختصاصی بدولت داشته باشند در مقابل آراء و کلا باید تسلیم صرفی و مطیع محض باشند چرا ما مردم در حفظ مقام خود سعی نیستیم و حدود خود را نمیدانیم و رشته حریت خود را از دست میدهیم و فاق را طبیعت ثانویه را خود قرار داده ایم امروز چیزی که مارا اضر البیدین تواند نمود فاق است امروز چیزی که مارا بحضیض ذلت میکشاند فاق است امروز چیزی که مانع پیش رفت مقاصد ماست فاق است امروز چیزی که سلب شرفی و ناموس از ما میکند فاق است امروز چیزی که استقلال مارا زایل کند فاق است امروز چیزی که مارا بقهقر او حالت اولیه بر میگرداند فاق است امروز چیزی که مارا لشکار و بنده و عبد و ذلیل اجانب نماید فاق است بالاخره تمام بدبختی ها از فاق است الا و الا المنتظمه یفیدها الخلاف ( فدائی وطن محمد حسین ابن عبد الوهاب طهرانی پنجم رجب المرجب ۱۳۲۵ )

— ( از طرفی انجمن فارس ) —

قابل توجه مدیر محترم جریده فریده حبل المتین  
ایده الله تعالی

هرگز مترقب و منتظر نبودیم که مدیر محترم جریده مقدسه حبل المتین که مبروی بخیر خواهی و بی غرضی است بدون تحقیق و با اشتباه کاری نسبتی به بعضی اعضاء این انجمن روا دارند که آنان از ان نسبت منز و مبرائند و راضی شوند که باین نسبت انجمن را متهم سازند و در مرض اعتراض برادران و عموم انجمن ها در آورند مقصود مواخذة از این نیست که لایحه منسوبه بنصرالدوله رادر شماره ۷۸ درج فرموده اند البته اداره از درج هر لایحه با اعضاء که اخطار شود از اداست بلکه عرض این است که نسبت توسط اظهار آن لایحه با داره چند تن

از اعضاء انجمن  
است و حال  
ممنین می باشد  
قبوده مکرر نه  
از ادارات چه  
انجمن باشد  
باشد  
اگر چه  
قدر اتهام از  
میان حقوق  
که خود ادار  
مسلوب دارد  
شود که نسبت  
و میراست و  
یاداره اخطار  
پذیرفته نشود

مکتوب

منشی سابق  
بلدیه است بما  
اعضاء انجمن  
و در تمام امور  
بود چنین تصور  
لکن به ار ت  
بهیچ وجه عض  
معاشرات غیر  
چند تن از اء  
اقدام میکردند  
خارج از عمد  
آن بزرگواران  
و منظوری جز  
هر کس مکتوبی  
نشر میدهند  
نشده و از تریب  
شخص راوی  
بدین ملاحظه  
نسبت توسط فیز  
علنا میگوئیم که  
قبوده واسطه  
انجمن نیست  
خدمت مد  
عمروض میدارد

از اعضاء انجمن فارس یا جنو بی ایران از روی چه ماخذ است و حال آنکه اعضاء این انجمن تماما باسم و رسم معین می باشد و هیچک را در این باب ابداء مدخلیتی نبوده مگر نه قانون این است که هرگاه لایحه از انجمنی یکی از ادارات جرئت اخطار شود باید بهر و اعضاء آن انجمن باشد تا اداره از مسئولیت صحت و ساد آن آزاد باشد

اگر چه مقام انجمن جنوبی اقتضا دارد که از برای قدر اتهام از خود اقدامات لازمه بعمل آورد ولیکن نظر به اسب حقوق آن اداره محترمه بهمین قدر اکتفا می نماید که خود اداره تدارک فرماید و این نهمت را از انجمن مسلوب دارد و تصریح بنام شخص واسطه نماید تا معامم شود که نسبت مذکوره باعث تبار کاری بوده و انجمن منزله و میراست و بعد از این هر مطلب که از طرف انجمن اداره اخطار شود خواهشمندیم که بدون مهر و اعضاء پذیرفته نشود والسلام

( جبل المتین )

مکتوب مزبور بقوسط آقا میرزا ابراهیم خان منشی سابق سفارت فرانسه که علیه منشی اداره بلدییه است بما رسید و از آنجا که معزی الیه همواره با اعضاء انجمن محترم جنوبی معاشرت و مصاحبت داشته و در تمام امور با آنها موافق و در همه مجالس مصاحب بود چنین تصور کردیم که اراء اعضاء انجمن مزبور است لکن بعد از تحقیق معلوم شد که ایشان در انجمن مزبور به هیچ وجه عضویت ندارند فقط مراودات دوستانه و معاشرت غیر رسمانه داشته اند و در بعضی موارد اتفاق چند تن از اعضاء انجمن فارس به بعضی امور خبریه اقدام میکردند لهذا با کمال احترام ازین اعتبایه که خارج از عمد و غرض بوده معذرت میخواهیم و خود آن بزرگواران نیز مسیوقند که ما را از این بیسان مقصود و منظوری جز برات ذمه خود نبوده است در خارجه هر کس مکتوبی با اعضاء اداره هر روز نامه بدهد فوراً نشر میدهند لکن در وطن ما چون هنوز اذهان صافی نشده و از ترتیب کمالا مسیوق نیستند لازم است که شخص راوی را دست دهر تا ذمه خود را بری نماید بدین ملاحظه واسطه را آشکار کردیم و با جنم محترم نسبت توسط فیز دادیم بلکه یکی از اعضاء و اینک علنا میگوئیم که اعضاء انجمن فارس را در اینکار دخالتی نبوده واسطه میرزا ابراهیم خان است و او هم عضو انجمن نیست

خدمت مدیر جریده مقدس جبل المتین دام اقباله  
معرض میدارد

دعا کو یان اهل محله چاله میدان در خصوص انتخاب عدل منتخبین اهل محله که در حضور جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا سید مهدی امام جماعت سلمه الله تعالی معین شده گفتگو داریم باین واسطه هسته صد و پنجاه تفرقه داده شده و میصد و سی تفرقه داخل صندوق کرده بقیه ملاحظه کرده از اهداء قلب بوده تفرقه را نداده و ثانی این منتخبین دارای شرایط نظامنامه نبوده و نیستند شاهد بر این عرض خود جناب آقای آقا سید مهدی امام جماعت است و چون وقت تنگ است امتدعا داریم این مطلب در روز نامه درج شود که معلوم بشود حق تجدید برای اهل محله باقی است و مطابق نظامنامه اطلاع داده شده است

حضور اعضاء محترم مجلس مقدس دارالشورای ملی  
شیدالله ارکانهم عرضه میدارد

اهالی محله بازار بحسب امر محترم مجلس مقدس در روز جمعه بیست و نهم در مسجد ملک حاضر شده و با حضور سه نفر از اعضاء محترم پنج نفر منتخب خود را جهت بلدییه معین نموده که صورت اسمی آنها بنظر اعضاء محترم رسیده است منتخب این قسمت از محله بازار که عباس آباد است حاج سیدرضا نام عطار شد که بهیچوجه شرایط نظام نامه بلدییه در او و منتخبین او موجود نمیباشد لذا جماعتی از محترمین محله عباس آباد مسیوق به ترتیب و اسباب چینی شده آراء خود را تویق نموده زیرا که بهمیچوجه باین شخص اطمینان نداریم که بتواند حقوق ما را حفظ نماید لذا مستدعی از مجلس مقدس چنانیم که امر رسیدگی فرموده چنانچه غرض در بین نیست و مطلب معین و میرهن است باصحت شرایط نظامنامه بلدی در حضور چند نفر از اعضاء محترم مجلس مقدس و تمام اهالی محله عباس آباد کسی منتخب شود که از روی بصیرت و بیغرضی بتواند از عهد خدمت مرجوعه خود برآید که لمح عموم از وجودش حاصل آید

چون تاسیس انجمن برای پیشرفت مقاصد خیریه و خدمت بشوع است و این خیال میسر نمی شود مگر بترویج علوم و نشر معارف لهذا در اینموقع که اعضاء محترم انجمن اصلاح این نیت مقدس را استقبال نموده و از وزارت معارف اجازه افتتاح مدرسه درجه ابتدائی کرده بودند از وزارت معزی الیه اجاره دانه میشود که مدرسه را مطابق نظامنامه و دستور العمل وزارت معارف مفتوح دارند شهر فوق — وزارت معارف و اوقاف

۸ رجب المرجب ۱۳۲۵

حسن الحسینی الکاشانی